

یک تبصره تورم آفرین در بودجه سال ۷۵

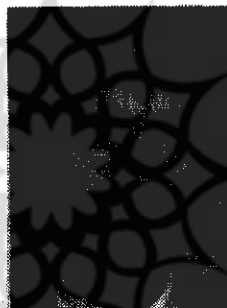
نوشته دکتر اکبر کرباسیان - اقتصاددان

واگذاری سهام کارخانجات و شرکتهای دولت ایران به مردم از این لحاظ حرکتی اصولی و منطبق بر قوانین اقتصادی است که ضمن افزایش سطح کارایی در تولید و سودآوری در سرمایه گذاریها، (۱) از کسری بودجه کل کشور که از ناحیه شرکتهای دولتی زیان دهنده و فاقد کارایی همه ساله بر بودجه دولت تحمیل می شود، می کاهد و (۲) کاهش کسری بودجه، به نوبه خود از فشار بر سیستم بانکی کشور و تزریقهای جدید نقدینگی به اقتصاد کشور می کاهد و در نتیجه باعث کاهش فشارهای تورمی بر مردم و ترمیم قدرت خرید آنها می شود. حال اگر واگذاریهای دولتی به مردم بلاعوض و منحصرأ به طبقات آسیب پذیر انجام شود، (۳) از اثرات تعدیل کننده، که مورد توجه شرع مقدس اسلام است، نیز برخوردار خواهد شد. زیرا که این واگذاری از تمرکز ثروت ملی در بخش دولتی می کاهد و عدهای مردم نادر و فاقد امکانات و انگیزه را صاحب مال، انگیزه و درآمد خواهد کرد.

با انتقال سهام و مدیریت کارخانجات و شرکتهای دولتی به مردم، دولت سبکتر می شود، حجم مالی آن کاهش می یابد، هزینه هایش پائین می آید، مدیریت منابع ملی بهتر می شود، پایه های رقابت عمیقتر می گردد، خطر پذیریه در تولید و تجارت به مردم سپرده می شود و به میزان زیادی مانع ضررهای ناشی از کاهش قدرت خرید پول رایج کشور و زیان به مردم می گردد. این پدیده ها همه به نفع اقتصاد کشور تمام خواهد شد.

متأسفانه آنچه در تبصره ۳۸ قانون بودجه سال ۱۳۷۵ دولت به تصویب رسیده با اهداف اقتصادی واگذاری مالکیت پاره ای از شرکتهای دولتی به مردم و خصوصی سازی، به گونه ای که بتواند نرخ تورم ۵۵ درصدی کنونی را در ایران کاهش دهد و با اثرات تعدیل کننده و باز توزیعی در برداشته باشد، مغایرت دارد. زیرا که آنچه دولت پیشنهاد کرده و مجلس شورای اسلامی به تصویب رسانیده واگذاری بلاعوض مالکیت سهام شرکتهای دولتی به طبقات آسیب پذیر نیست. بلکه فروش در مقابل دریافت بهای سهام از آنهاست. در این تبصره، چون طبقات محروم قدرت خرید سهام شرکتهای دولتی را ندارند، دولت

بای منابع پولی سیستم بانکی کشور و قدرت خلق پول آنرا به میان کشیده است. این روش، که دست کم در هیچده مورد دیگر هم در تبصره های بودجه بکار گرفته شده، از لحاظ اقتصادی و حفظ قدرت خرید درآمدهای مردم، صحیح نیست. پس، بر حسب محتوای تبصره ۳۸، سیستم بانکی کشور مکلف شده است منابع پولی لازم برای اجرای مقاصد این تبصره را، در حد ۳۵ میلیارد ریال، در اختیار شرکت سرمایه گذاری شاهد و... قرار دهد تا آنها، با تزریق پولهای خلق شده توسط شبکه بانکهای تجاری کشور، از طرف ایشارگران و جانبازان و غیره، بهای این سهام را



دکتر اکبر کرباسیان

به دولت پرداخت کنند و سهام شرکتهای فروخته شده را به نفع این گروهها در اختیار گیرند.

حذف مخارج زائد، نه تحمیل به مردم

نکته حائز اهمیت این است که در شرایط تورمی کنونی ایران، هرگونه استفاده بودجه ای دولت و شرکتهای دولتی از تسهیلات سیستم بانکی کشور (که در بودجه سال ۱۳۷۵ فراوان هستند) شدیداً تورم آفرین است. زیرا که پول و نقدینگی جدید به اقتصاد کشور تزریق خواهد کرد. پس منابع پولی در نظر گرفته شده در این تبصره و تبصره های مشابه و روش نامعقول تأمین آنها، با اهداف ضد تورمی، که از واگذاری سهام شرکتهای دولتی و حرکت بسوی خصوصی سازی انتظار می رود، عمیقاً فاصله دارند. برحسب ترتیبات مصوب در تبصره ۳۸ دولت واگذارکننده سهام به ایشارگران و جانبازان نیست بلکه فروشنده سهام به آنهاست. ولی بلحاظ اینکه خریداران توان خرید در اختیار ندارند، بهای سهام فروخته شده را نهایتاً همه ملت ایران، از ناحیه قدرت خریدی که در اثر خلق پولهای جدید توسط سیستم

بانکی کشور، برای این تبصره و دهها مورد دیگر از دست خواهند داد، پرداخت می کنند و فشاری به دولت وارد نخواهد آمد.

واگذاری سهام کارخانجات و شرکتهای دولتی به بخش خصوصی، به ویژه طبقات آسیب پذیر، علاوه بر اینکه منطبق بر اصول اقتصادبست، حرکتی است انسانی و معقول که ساختار مالکیت شدیداً دولتی کنونی را در ایران اصلاح خواهد کرد.

چنانچه خصوصی سازی در ایران صحیح اجرا شود، متولی قوی بیابد و آهنگ حرکت آن تسریع شود، مسیر حرکت اقتصاد کشور بر بنیانی استوارتر استقرار خواهد یافت. لکن فروش سهام به ترتیب تبصره مذکور، روشی است تورم آفرین و فاقد هرگونه امتیاز اقتصادی برای مردم. ممکن نیست دولت بدون وارد شدن آسیب به کل جامعه، هم چیزی را از اموال بیت المال به طبقات آسیب پذیر واگذار کند و هم بهای آن را به طلبد. این روش، یادآور مثل معروف اروپایی «هم کیک خود را خوردن و هم آنرا داشتن» است. در حالیکه دولت بخوبی می داند، طبقه ایشارگر و جانباز و کلیه طبقات آسیب پذیر کشور، قادر به پرداخت بهای سهام مورد فروش دولت نیستند.

شایسته است، بجای تحمیل بهای این سهام و بسیاری دیگر از هزینه های بودجه ای دولت به همه مردم ایران، از طریق حذف پاره ای مخارج تشریفاتی و زائد، و عدم استفاده از منابع پولی سیستم بانکی کشور، دولت خود آنرا تحمل کند و اسناد مالکیت قطعی و کامل و بلاعوض شرکتهای دولتی مورد نظر خود را امضاء کند و بدون واسطه سیستم بانکی و تزریق پولی آن، سهام و دارائی های خود را به کلیه طبقات آسیب پذیر، از جمله بازنشستگان و خانواده های بدون سرپرست و سایرین واگذارد. بدین ترتیب، حتی اگر به شما و من و میلیونها نفر دیگر از مردم ایران سهمی داده نشود، چون انتظار می رود بودجه دولت اندکی متعادلتر شود و نقدینگی کمتری با اقتصاد کشور تزریق گردد، تورم خانمانسوز کنونی اندکی کاهش خواهد یافت و از بابت استفاده مسؤلانه تر از منابع سیستم بانکی کشور به وسیله دولت نهایتاً همه مردم ایران منتفع می شوند.

